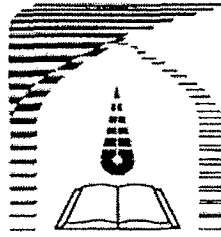


٢٥٢٨
صيفي

بسم الله الرحمن الرحيم

١١٠٢٩٣

۸۷/۱/۱۰۶۱۷۹
۸۷-۱۳۳



دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه

دیدگاه کواپن درباره‌ی صدق منطقی

با تکیه بر رأی او در باب انکار تمایز تحلیلی/ ترکیبی

محمود سیفی پرگو

استاد راهنما: دکتر محمد علی حجتی

استاد مشاور: دکتر لطف‌الله نبوی

شهریور ۱۳۸۷

کتابخانه و مراکز اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۷/۸/۱۳

۱۱۰۲۹۳

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه محلتم آقای حمود حسین بیرنگ تحت
عنوان در سنجش کواکب در باره می صدوق بنظریه یا تلخیص بر روی او در باب انکار تمانز تجلی / ترکیبی

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد
می کنند.

اعضای هیات داوران

۱- استاد راهنما دکتر سید محمد علی حسینی

۲- استاد مشاور دکتر لطف الله نبوی

۳- استاد ناظر دکتر رضا اکبری

۴- استاد ناظر دکتر سروش ربانغ

۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دکتر لطف الله نبوی

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی می‌باید به نام دانشگاه بوده و استاد راهنما نویسنده مسئول مقاله باشند. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

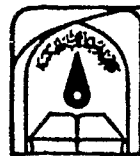
ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود.

۱۳۲۸۴/۱





بسمه تعالی

آیین‌نامه چاپ پایان‌نامه (رساله)‌های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان‌نامه (رساله)‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت‌های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متمهد می‌شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان‌نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد/رساله دکتری نگارنده در رشته
که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب
آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر ، مشاوره سرکار
خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب محمدرضا گلشن دانشجوی رشته فلسفه مقطع ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

نام و نام خانوادگی: محمدرضا گلشن
تاریخ و امضا: ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

تقديم به

دوستداران حكمت

از زحمات اساتید راهنما،

مشاور و داوران

که بزرگوارانہ تقبل زحمت کردند

صمیمانه تقدیر می‌شود.

چکیده:

در پاسخ به این پرسش که ماهیت صدق منطقی چیست و یک گزاره باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا متصف به صفت «منطقاً صادق» باشد، عمدتاً دو ویژگی نام برده می‌شود: ضرورت و فرمال بودن. دیدگاه کواین W.V.Quine منطق‌دان و فیلسوف بزرگ قرن بیستم در باب انکار تمایز تحلیلی/ ترکیبی هم بر ویژگی اول صدق منطقی یعنی ضرورت تاثیر می‌گذارد و هم ویژگی دیگر یعنی فرمال بودن را متاثر می‌سازد. کواین معتقد است گزاره‌های تحلیلی بر دو دسته‌اند: گزاره‌های تحلیلی منطقاً صادق و گزاره‌های تحلیلی سمانتیکی. کواین گزاره‌های تحلیلی نوع اول را می‌پذیرد اما گزاره‌های تحلیلی نوع اخیر را رد می‌کند. مساله اینجاست که چگونه می‌توان جملات منطقاً صادق را پذیرفت و درعین حال از پذیرش گزاره‌های تحلیلی سمانتیکی سرباز زد؟ بخصوص با توجه به وابستگی متقابل ضرورت و تحلیلی بودن، ویژگی ضرورت داشتن گزاره‌های منطقاً صادق چگونه توجیه می‌شود؟ پژوهش حاضر پس از بررسی اجمالی مهمترین آراء در باب ماهیت صدق منطقی، تلاش خواهد کرد به پرسش‌های فوق پاسخ دهد.

کلمات کلیدی:

کواین؛ صدق منطقی؛ تمایز تحلیلی-ترکیبی؛ ضرورت؛ فرم منطقی

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق

- ۱-۱ چشم انداز..... ۲
- ۲-۱ بیان مسأله..... ۵
- ۳-۱ بیان تفصیلی مسأله..... ۶
- ۴-۱ پرسشهای مهم پژوهش..... ۹
- ۵-۱ فرضیه ها..... ۱۰

۱-۶ ساختار فصول.....۱۰

فصل دوم: کوااین، رئوس اندیشه

۱-۲ زندگی و آثار کوااین.....۱۴

۲-۲ رئوس کلی اندیشه‌ها

۱-۲-۲ طبیعت‌گرایی و معرفت‌شناسی طبیعی‌شده۱۶

۲-۲-۲ هولیزم۲۱

۳-۲-۲ تحدید منطق به منطق درجه اول.....۲۹

۴-۲-۲ تعهد وجودی.....۳۱

۵-۲-۲ عدم قطعیت ترجمه.....۴۵

۶-۲-۲ آرای منطقی دیگر کوااین.....۴۸

فصل سوم: تمایز تحلیلی/ترکیبی

۱-۳ تاریخچه تمایز.....۵۳

۵۵.....کانت ۱-۱-۳

۵۶.....فرگه ۲-۱-۳

۵۹.....دلایل اهمیت تمایز تحلیلی / ترکیبی

۳-۳ مشکلات تمایز تحلیلی / ترکیبی

۶۲.....جایگاه صدق‌های منطقی ۱-۳-۳

۶۲.....پارادوکس تحلیل ۲-۳-۳

۶۳.....پارادوکس راسل و مشکل منطق گرایي ۳-۳-۳

۶۴.....قرارداد ۴-۳-۳

۶۵.....مشکلات اثبات پذیری ۵-۳-۳

۶۵.....معنای زبانی ۶-۳-۳

۴-۳ نظریه‌های بعد از کواین

۶۷.....نو دکارتی‌ها ۱-۴-۳

۶۸.....نظریه‌های برون گرایانه معنا ۲-۴-۳

۶۹.....ساختار استدلال کواین ۵-۳

۶-۳ تبیین ارنشتاین از تحلیلیت و نقدهای کواین بر آن.....۷۸

۷-۳ نقدهای دیگر.....۸۱

فصل چهارم: صدق منطقی

۱-۴ مقدمه.....۸۷

۲-۴ رساله تفصیلی فلسفه منطق.....۹۱

۳-۴ تقریر ارنشتاین از نظر کواین در باب صدق منطقی.....۱۰۷

۴-۴ صدق بواسطه قرارداد.....۱۱۰

۵-۴ کارنپ و صدق منطقی.....۱۱۴

۶-۴ منطق به عنوان منبع ایده‌های نحوی.....۱۲۱

۷-۴ صدق ضروری.....۱۲۳

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات.....۱۲۷

۱۳۳..... منابع و مأخذ

۱۳۸..... چکیده انگلیسی

فهرست نمودارها:

نمودار ۱. شمای کلی انکار تحلیلی بودن.....۷۵

نمودار ۲. تحلیل نهایی تحلیلی بودن و دیگر آرای کواپن.....۱۳۲

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

۱-۱ چشم انداز

کواین یکی از فیلسوفان بزرگ قرن بیستم است. عده‌ای جایگاه او را در نیمه دوم قرن بیستم همسنگ راسل و ویتگنشتاین در نیمه اول این قرن می‌دانند و برخی دیگر بر این باورند که او را باید همراه با ویتگنشتاین و هیدگر یکی از سه فیلسوف برتر قرن دانست. بهر حال آرای کواین در اکثر شاخه‌های فلسفه تحلیلی بخصوص معرفت‌شناسی، منطق، فلسفه زبان، فلسفه ریاضیات و... تاثیر عمیقی بر جا گذاشته و نقاط عطف بسیاری را در این مباحث موجب گشته است. آرای کواین علاوه بر فلسفه در شاخه‌های دیگر علوم مانند ریاضیات و علوم شناختی نیز از تاثیر عمیق برخوردار بوده است.

کواین بلحاظ مشرب فکری فیلسوفی تجربه‌گرا محسوب می‌شود، معذک تجربه‌گرایی او با تجربه‌گرایی مرسوم و متعارف پوزیتویست‌های منطقی متمایز و در بسیاری از زمینه‌ها مخالف آن است. با اینحال در میان پوزیتویست‌های حلقه وین کارنپ بیشترین تاثیر را بر اندیشه‌های کواین داشته است و آرای کواین در بسیاری از زمینه‌ها تنها در مقایسه و تطبیق با آرای کارنپ بدرستی فهمیده می‌شود.

آثار اولیه کواین بیشتر متمرکز بر منطق ریاضی و تلاش برای بازسازی نظام جدیدی از نظریه مجموعه‌هاست که در عین دوری گزیدن از پارادوکس راسل، نظریه انواع او را نیز به کار نیندد.^۱ کواین معتقد بود می‌توان با حفظ تم‌های اصلی در نظریه مجموعه‌ها و بدون افزودن اشیای جدید انتزاعی، سازگاری را به نظریه مجموعه‌ها بازگرداند. البته و از سوی دیگر کواین پارادوکس راسل را مویدی بر این نظر خود می‌دانست که منطق و ریاضیات تفاوت ماهوی با علوم دیگر ندارند و مانند آنها در معرض خطا و اصلاح هستند.

در وجودشناسی کواین مانند دیگر امپرسیسیست‌ها تعهد به کاستن از موجودات انتزاعی دارد اما اصل مشهور او یعنی «بودن یعنی ارزش یک متغیر بودن»^۲ موجب شده تا او واقعیت اشیای ریاضی را بپذیرد و در این زمینه یک افلاطونی باشد. از آرای مهم دیگر کواین کل‌گرایی اوست که ناشی از رد تمایز بین احکام تالیفی و تحلیلی است و بر اساس آن همواره کل معرفت بشر است که در معرض رد یا تایید است و نه یک گزاره خاص از یک علم. کواین در «دو حکم جزمی»^۳ زیر سؤال بردن تمایز تحلیلی/ترکیبی را دارای دو پیامد مهم می‌داند. اول اینکه مرز میان متافیزیک نظریه‌پردازانه^۴ و علم از میان می‌رود و دوم اینکه حرکت به سوی پراگماتیسم تسهیل می‌شود. نفی تمایز میان احکام تالیفی و تحلیلی به این معناست که انتخاب بین

^۱ کواین در «مبانی نوین برای منطق ریاضی» در سال ۱۹۳۷ سیستم NF خود را که برای رهایی از نظریه انواع راسل طرح کرده بود، معرفی کرد. در بسیاری از تقریرهای نظریه مجموعه‌ها ما مجبوریم برای رهایی از ناسازگاری، افراد را از مجموعه‌هایی که این افراد عضو آنها هستند متمایز کنیم. بنابراین یک مجموعه متشکل از یک عضو واحد باید از خود آن فرد متمایز دانسته شود. فرد محسوس سقراط از مجموعه انتزاعی تک‌عضوی شامل سقراط متفاوت است. اما در سیستم NF کواین در «مبانی نوین» و «منطق ریاضی» او، افراد با مجموعه‌های تک‌عضوی‌شان یکی هستند.

^۲ To be is to be value of a variable

^۳ two dogmas of empiricism

^۴ speculative metaphysics

چارچوب‌ها^۱ به ما وانهاده شده است و نهایتاً هیچ تمایز روشنی بین عینی و ذهنی وجود ندارد. بنابراین تغییر در یکی از پایانه‌های تور معرفت می‌تواند دیگر پایانه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. بر این اساس فلسفه همسنگ با سایر علوم بخشی از پیوستار معرفت است و هیچ جایگاه متعالی و فرانسائی نسبت به سایر معارف بشری ندارد. این همان تز مشهور معرفت‌شناسی طبیعی‌شده^۲ است. همچنین کواپن به تبعیت از درون‌مایه امپرسیستی فلسفه‌اش، پایه اصلی تبیین را به عهده فیزیک می‌گذارد و چون در وجودشناسی خود منکر کلیه اعیان غیرمحسوس [به استثنای اعیان ریاضی] شده است، پس رفتارگرایی را به هرگونه سخن گفتن از عبارات ذهن‌گرایانه ترجیح می‌دهد.

در مورد کواپن بخصوص توجه به این امر اهمیت حیاتی دارد که آثار و اندیشه‌های او یک کل منسجم‌اند که فهم اجزای آن بدون داشتن یک فهم درست از پیکره اندیشه‌هایش راه به خطا می‌برد. هرچند این امر در مورد هر متفکری صحیح است اما کواپن به این دلیل که تقریباً در بسیاری از مبانی فکری‌اش با متفکران همدوره خود متفاوت می‌اندیشد از این جهت متمایز است. در مطالعه آثار متفکران دیگر، بدلیل وجود مشترکات فراوان در مبانی اندیشه‌ای، شاید پرداختن تفصیلی به آرای آنان در زمینه‌هایی غیر از زمینه اصلی تحقیق، چندان ضرورت نداشته باشد اما در مورد کواپن همچنانکه خواهد آمد این امر از ضروریات است. چه اینکه نظریات وجودشناسی او بعلاوه تبیین‌های او از نظریات علمی و غیره همگی در آنچه او منطقاً صادق می‌داند بطور مستقیم دخیلند. از همین روست که فصل کلیات در این تحقیق شاید

¹ frameworks

² naturalized epistemology

اندکی مفصل‌تر است. این فصل را نباید چون هر پژوهش دیگر، صرفاً پیش‌درآمدی به موضوع دانست بلکه اهمیت آن همسنگ دیگر فصول است و البته واضح است که گزینش این یا آن موضوع خاص از دهها گزینه موجود در باب آرای کواین، علاوه بر ارتباط آن با موضوع اصلی این پژوهش، تابع برخی تعلقات خاطر ذهنی محقق نیز هست. این نیز در هر پژوهشی اجتناب‌ناپذیر است.

۱-۲ بیان مسأله

در پاسخ به این پرسش که ماهیت صدق منطقی چیست و یک گزاره باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا متصف به صفت «منطقاً صادق» باشد، عمدتاً دو ویژگی نام برده می‌شود: ضرورت و فرمال بودن. دیدگاه کواین درباب انکار تمایز تحلیلی/ ترکیبی هم بر ویژگی اول صدق منطقی یعنی ضرورت تاثیر می‌گذارد و هم ویژگی دیگر یعنی فرمال بودن را متأثر می‌سازد. کواین معتقد است گزاره‌های تحلیلی بر دو دسته‌اند: گزاره‌های تحلیلی منطقاً صادق و گزاره‌های تحلیلی سمانتیکی. کواین گزاره‌های تحلیلی نوع اول را می‌پذیرد اما گزاره‌های تحلیلی نوع اخیر را رد می‌کند. مسأله اینجا است که چگونه می‌توان جملات منطقاً صادق را پذیرفت و درعین حال از پذیرش گزاره‌های تحلیلی سمانتیکی سرباز زد؟ بخصوص با توجه به وابستگی متقابل ضرورت و تحلیلی بودن، ویژگی ضرورت داشتن گزاره‌های منطقاً صادق چگونه توجیه می‌شود؟ پژوهش حاضر پس از بررسی اجمالی مهمترین آراء درباب ماهیت صدق منطقی، تلاش خواهد کرد به پرسشهای فوق پاسخ دهد.

۱-۳ بیان تفصیلی مساله

(۱) اگر هر انسانی فانی است و سقراط انسان است، پس سقراط فانی است.

(۲) اگر بارش باران مستلزم خیس شدن زمین است و باران می بارد پس زمین خیس می شود.

برخی گزاره‌ها از قبیل گزاره‌های فوق منطقاً صادقند. اما ماهیت صدق منطقی چیست؟ یک گزاره باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد تا بتوان گفت منطقاً صادق است؟

یکی از پاسخهای دیرپا به این پرسش این است که برای اینکه گزاره‌ای که در قالب یک استدلال است منطقاً صادق باشد، مقدمات آن استدلال باید طوری باشد که نتیجه بالضروه از آنها منتج شود. به تعبیر دیگر یک صدق منطقی نمی‌تواند صادق نباشد. این پاسخ، رویکرد وجهی به مساله صدق منطقی است.

پاسخ دیگر این است که وجه ممیز صدق‌های منطقی فرمال بودن آنهاست. بنابراین اگر جمله‌ای منطقاً صادق باشد، باید تمام نمونه‌جانشین‌های فرم منطقی آن نیز صادق باشند. این پاسخ رویکرد فرمال به صدق منطقی است و بررسی آن ارتباط تنگاتنگی با مساله‌ی «فرم منطقی» و تبعاً مساله‌ی «ثوابت منطقی» دارد.